

”

دنیاى سینما و مستند رحم ندارد. من خودم شده بارها وسط کار گریه‌ام گرفته از بس اذیتم کردند بابت هماهنگی و مجوز و ... می‌خواستم بگویم که بابا تمام شد من دیگر نمی‌آیم! یا توهین شنیده بودم، عصبی و کلافه شده بودم و اوج خستگی‌ام بود، اشک‌هایم را پاک کردم؛ اصلاً انگار نه انگار که نیم ساعت قبل یکی آمده اینجا به من بدو بیراه گفته است

خیلی کارها انجام می‌دهد. وقتی مردم زاهدان دچار کمبود آب شده بودند، با هواپیمای نظامی ۲۱۳۰ آب بردند یا در بحث کرونا و ... این خدمات همه مربوط به این روزها و مشکلات داخل کشور و غیر از زمان جنگ بوده است، ولی خبر روایت نشده است. حالا مقصر بخشی‌اش خود ارتش است که مدیریتی برای نحوه مناسب روایت ندارد، بخشی هم تقصیر امثال و من و مستندسازهایی است که سوژه را از دست می‌دهیم و نسبت به این اخبار و عکس‌های پراز قصه، حساس نیستیم.

◀ درباره نحوه ورودتان به ساخت مستند اگلانتین و مسائل مرتبط با ساخت آن بگویید.

زمانی که من برای یک سوژه دیگر رفته بودم نیروی دریایی، یک نفر اشاره کرد به ماجرای اگلانتین ولی دوباره بعدش گفت خودمون یک مستند کوتاه ساخته‌ایم و اصلاً و لاش کن نمی‌خواهد بسازی. در اینترنت جست‌وجو کردم و گفتم این مستند که می‌گویی را پیدا نمی‌کنم. برایم ریخت روی فلش. وقتی آن را دیدم گفتم اینکه مستند نیست! یک کلیپ ساخته‌اید، یک موسیقی ورزشی هم رویش گذاشته‌اید و به این می‌گویید مستند. گفت همین کافی است دیگر. گفتم همین کافی است؟ مردم اصلاً نمی‌دانند داستان چیست. من رفتم دنبالش و فقط پیدا کردن آرشیو

